**قدیمیترین نسخه های خطی رباعیات خیام**

**امیری، منوچهر**

از قضایای مهم ادبی که مع الاسف تاکنون در مطبوعات و محافل ادبی ازان بحث نشده کشف‏ دو مجموعهء بسیار قدیم و اصیل از رباعیات خیام و ترجمهء جدید انگلیسی شرقشناس نامی استاد آرثر- آبری‏1از روی آنهاست.نام کتاب آربری«عمر خیام-یک ترجمهء جدید مبتنی بر کشفیات‏ اخیر2»است.این کتاب بقطع معمولی و دارای یک مقدمهء نفیس محققانه در 45 صفحه و مشتمل‏ بر ترجمهء منظوم 252 رباعیست.آن قسمت از رباعیات خیام که فیتز جرالد آنها را ترجمه کرده و در نسخ مکشوفه نیز موجود است آربری در آخر کتاب خود بمنظور مقایسه با ترجمهء جدید خود آورده‏ است.بعلاوه کتاب شامل یک جدول مقایسهء نسخ خطی و چاپیست که بی‏نهایت مفید است.

هنگامی که من در انگلستان بودم کتاب آربری منتشر شد.پس از خواندن آن تصمیم بترجمه‏ مقدمه‏اش گرفتم و ضمن نامهء تبریکی که بمؤلف نوشتم از او خواهش کردم که متن اشعار و جملات‏ فارسی و عربی را که وی ترجمهء آنها را در مقدمهء کتاب خود آورده است برایم بفرستد تا عینا در ترجمهء فارسی خود نقل کنم ولی استاد قبول این امر را موکول بموافقت ناشران کتاب خود کرد.آنان‏ نیز عاقبت تقاضای مرا پذیرفتند و تنها چیزی که از من خواستند این بود که در مقالهء خود حق مؤلف‏ محترم و ناشران کتابش را ادا کرده باشم.اینست که من در اینجا باستاد آربری که چنین خدمتی‏ پرارج بادب فارسی کرده و همچنین بناشران کتاب نفیس او آقایان جان موری وشرکا3تقدیم درود میکنم و توفیقشان را در تألیف و انتشار چنین آثاری آرزومندم.

اینک درین مقاله بشرح مطالب و فی الواقع شناساندن کتاب استاد آربری میپردازم و در شمارهء آیندهء مجله ترجمهء متن مقدمهء آن را بنظر خوانندگان گرامی یغما میرسانم

قسمت اول مقدمه راجع بنسخه‏های خطی و چاپی رباعیات خیام و داستان زحماتیست که شرقشناسان‏ و فضلای ایران برای تشخیص و تعیین رباعیات صحیح و اصیل او در طی مدت نیم قرن تحمل کردند و عاقبت بواسطهء پیدا نشدن نسخ بسیار قدیم،و منسوب بودن اغلب بلکه تمام رباعیات بخیام،آن رنجها بی‏نتیجه ماند و خیام بشکل یک شخص افسانه‏ای در آمد و عده‏ای از دانشمندان حتی منکر وجود او شدند.

قسمت دوم راجع بکشف دو نسخهء خطی بسیار کهنه از رباعیات خیام است که بار دیگر باعث‏ احیاء نام او در تاریخ ادبیات شده است.آربری میگوید چندی پیش شنیدم که نسخهء تازه‏ای از رباعیات‏ خیام بدست کتابدوست معروف آقای چستر بیتی‏4افتاده است.با یک نظر بخط و کاغذ و مرکب‏ معلوم شد تاریخ کتابت که در آن 658 ذکر شده صحیح است.این کتاب گلچینی از رباعیات خیامست‏ که توسط یکی از همشهریان او محمد قوام نیشابوری ترتیب داده شده و مشتمل بر 172 رباعیست. متن این کتاب که ضمنا شامل 8 رباعیست که تا آنوقت کسی از آن خبر نداده بود با یک ترجمهء دقیق‏ (1) Arthur J Arberry

(2) Recent DISCOVERIES Omr Khayyamanew Version Based Upon

(3) John Murray(Purlishers)Ltd

(4) Mr.Chester Beatty.

من بخرج آقای بیتی در 1950 چاپ و منتشر شد.

در همانوقت که کتاب را برای چاپ بمطبعه داده بودم در مجلهء یادگار منطبعهء تهران چشمم‏ بمقالتی بی‏امضاء افتاد که گمان میرفت بقلم استاد عباس اقبال نوشته شده باشد و موضوع آن کشف یک‏ نسخهء خطی از رباعیات بود که در سال 604 نوشته شده است.من در آن هنگام باین نسخه دسترسی‏ نداشتم اما این نسخه که آن را باید نسخهء تهران نامید ناگهان در تابستان 1950 در لندن پیدا شد و بملکیت کتابخانهء دانشگاه کمبریج درآمد!!باز در همان نظر اول بمن معلوم شد که در تاریخ کتابت‏ آن یعنی 604 درستست.این نسخه شامل 252 رباعیست و فقط 75 سال پس از مرگ بخیام‏ نوشته شده و در اصل قسمتی از سفینهء اشعار شاعران قدیم ایران بوده و توسط شخصی بنام غیاث الدین‏ محمد بن یوسف بن علی فراهم آمده است.شیوهء کتابت رسم الخط همان عصر و تاریخ کتابت مانند نسخهء مستر بیتی بحروف نوشته شده(نه بعدد)و بهیچوجه آثار تصرف در آن مشهود نیست و صحافی کتاب هم‏ متعلق بهمان عهد است».آربری رباعیاتی را که در این دو نسخه نوشته شده با نسخه‏های معروف چاپی‏ مانند نسخهء کریستین سن و نسخهء فروغی مقایسه میکند.همچنین آن قسمت از رباعیات خیام را که هم‏ در دو نسخهء خطی مورد بحث و هم در کتابهائی معروف مانند سندبادنامهء محمد سمرقندی و مرصاد العباد نجم الدین دایه و تاریخ گزیده آمده نقل میکند و بلافاصله مینویسد:«استاد سعید نفیسی یک نسخهء معمولی در ایران بدست آورده‏اند که تاریخ کتابت آن 750 و مشتمل بر یازده رباعی منسوب‏ بخیامست.از این رباعیات شش رباعی در نسخهء کمبریج و چهار رباعی در نسخهء مستربیتی آمده است. جناب آقای دکتر غنی در کتابخانهء ملی تهران جنگی از اشعار فارسی یافتند که ظاهرا در قرن چهاردهم‏ فراهم شده و مشتمل بر پنج رباعی از خیامست.از این پنج رباعی دو رباعی در نسخهء کمبریج و نسخهء مستربیتی آمده است.»

قسمت سوم مقدمهء کتاب استاد آربری دربارهء ترجمهء معروف ادوارد فتیز جرالد و مقایسهء آن‏ با اصل رباعیات خیام و در واقع یک انتقاد عالی ادبیست که بیشتر که بیشتر مورد استفادهء انگلیسی زبانها یا دست کم انگلیسی دانها می‏تواند بود.

قسمت چهارم مقدمه راجع بتاریخ آزادی فکر و فلسفه در ایران و مخالفت مردم قشری و متعصب‏ با آن و بیان مشرب فلسفی خیام و متفکرینی مانند ابن سینا و محمد بن زکریای رازیست.

قسمت پنجم عبارتست از بیان نکاتی چند دربارهء زندگانی خیام. قسمت ششم مقدمه دربارهء تاریخ پیدا شدن رباعی و رباعی گویان و خصایص رباعی و کیفیت‏ و علت سرودن رباعی بوسیلهء خیام و تشریح مضامین و تحلیل معانی رباعیات خیام و مقایسهء آنها با اشعار و فلسفهء ابو العلاء معری و بابا طاهر عریان و سنائی و مولویست.

قسمت هفتم مقدمه راجع به بیان علت گمنامی خیام در مدت چند قرن در وطنش ایران و سپس‏ مشهور شدن او در ایران حتی قبل از انتشار یافتن ترجمهء ادوارد فیتز جرالد است.

قسمت هشتم و آخرین قسمت مقدمهء کتاب اشارهء بسیار مختصریست بخصایص ترجمهء جدید انگلیسی‏ خود آربری از رباعیات خیام.

مؤلف تعلیقاتی هم برای توضیح پاره‏ای از رباعیات در آخر کتاب آورده که بیشتر آنها بکار خوانندگان فرنگی می‏آید.این تعلیقات بسیار مختصر است و از چهار صفحه تجاوز نمیکند.

حال چند کلمه هم از کیفیت ترجمه آربری بیان کنم.استاد آربری نیز رباعیات را مانند فیتز جرالد بشعر ترجمه کرده ولی بر خلاف فیتز جرالد که هر رباعی را مانند اصل فارسی در چهار بیت آورده او در هشت بیت یا سطر آورده است زیرا معتقد است هر کدام از رباعیات شامل بسی از لغات و دقایق شعری و فلسفی است که در قالب چهار بیت یا سطر نمیتواند درآید.ترجمهء آربری بسیار دقیق و مفید است و تنها مزیتی که بر ترجمهء فیتز جرالد دارد همینست و بس وگرنه هرگز از نظر لطف‏ و ملاحت و شیوائی بپایهء ترجمهء فیتز جرالد نمی‏رسد.وزنی هم که آربری انتخاب کرده غیر از وزنی است‏ که فیتز جرالد بکار برده است.بزرگترین ایرادی که روزنامهء تایمز ادبی بترجمهء آربری گرفته بود اینست که چرا ترجمهء وی منظوم است زیرا ترجمهء منظوم با ترجمهء دقیق لفظ بلفظ که منظور نظر آربری بوده خواه ناخواه مطابق نمی‏افتد،خاصه اینکه او شاعر نیست محقق است اگر هم شاعر باشد او کجا و فیتز جرالد کجا!اینست ماحصل انتقاد آن روزنامه که بخاطرم مانده و بعقیدهء من راست‏ میگویند زیرا گذشته از اینکه آربری ترجمهء خود را در قالب وزن و قافیه ریخته خود را مقید کرده‏ است که ترجمهء هر رباعی را در هشت بیت بیاورد تا بتواند حق مطلب را ادا کند ولی همین امر قطعا در شعر ایجاد خلاء میکند و شاعر یا ناظم مجبور میشود که جاهای خالی را با الفاظ و عبارات زائد و حشوهای قبیح و ملیح پرکند و در نتیجه مترجم دقت و امانت را که لازمهء ترجمه است نمیتواند رعایت‏ کند.از اینرو روزنامهء معروف منچستر گاردین هفتگی پس از بحث دربارهء ترجمهء یکی از رباعیات‏ خیام نوشته بود که«ترجمهء سایر رباعیات بدقت ترجمه این رباعی نیست»اما البته این نکات از اهمیت‏ ترجمه استاد آربری نمیکاهد.

ابو الحسن ورزی

آرزوی تو!

باد بهار آمد و آورد بوی تو شد تازه باز در دل من آرزوی تو تا پاکتر بروی تو افکند نگاه من‏ خود را باشک شوید و آید بسوی تو چون غنچه‏ای که باز شود در سپیده‏دم‏ گردد شکفته این دل خونین بروی تو پروانه و نسیم و من،ای گلبن مراد هستیم روز و شب همه در جستجوی تو ای دل عزیز دار که داروی زندگی است‏ آن می که دست عشق کند در سبوی تو دانی چه شد نصیب من از نو بهار عشق؟ گلهای حسرتی که فکندم بکوی تو ای مرغ شب بداغ که سوزی،که درد او خون می‏کند فغان ترا در گلوی تو؟ در آرزوی آنکه چو گل در برت کشم‏ هر صبح چون نسیم دویدم بکوی تو